

معرفی و نقد کتاب نیمرخ

نگاهی و نظری
به کتاب

«نیمرخ، من و آموزش و پرورش»
اثر مهندس هادی عزیززاده



● هوشنگ غلامی

نقد و معرفی کتاب

اشاره

خاطره نگاری و ثبت وقایع روزانه افراد به‌ویژه شخصیت‌های سیاسی، علمی، فرهنگی و مدیران، مسئولان، صاحب‌منصبان از دیرباز مورد توجه بوده و به‌عنوان مستندات ثبت تاریخ و تاریخ شفاهی به حساب می‌آید.

هادی عزیززاده یکی از فرهنگیان، کارشناسان و مدیران وزارت آموزش و پرورش در بعد از انقلاب اسلامی در سمت‌های اداری حساس و تأثیرگذاری که بیشتر در جایگاه سیاست‌گذاری کلان نظام آموزشی کشور بوده‌اند. شناخت این سیاست‌های کلان و برنامه‌ها و تأثیرات آن بر محصولات و خروجی و روند نظام آموزشی کشور می‌تواند برای پژوهشگران و محققان حوزه تاریخ آموزش و پرورش مفید و مهم باشد. گرچه به این خاطرات نیز باید با نگاه نقادانه نگریست و به صورت پژوهشگرانه آن‌ها را مورد توجه قرار داد. در ذیل به بررسی این کتاب می‌پردازیم.

«نیمرخ؛ من و آموزش و پرورش» عنوان کتاب جدیدی است که به‌تازگی منتشر شده و خاطرات، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مهندس هادی عزیززاده یکی از پیشکسوتان آموزش و پرورش را بازگو می‌کند.

این کتاب در ۳۹۵ صفحه و ۹ فصل به علاقه‌مندان مسائل آموزش و پرورش عرضه شده است. بخش اول کتاب شامل گفت‌وگوی مهندس عزیززاده با هوشنگ غلامی روزنامه‌نگار

* محقق و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

آموزشی است که طی آن، خاطرات خود را از کودکی تا زمان بازنشستگی بازگو می‌کند. عزیززاده با صمیمیت و صراحتی مثال‌زدنی، به همه پرسش‌های مصاحبه‌کننده پاسخ می‌دهد و نکته‌های را بی‌جواب نمی‌گذارد.

مهندس هادی عزیززاده در دوران سی‌ساله خدمت خود، با وزیران مختلف کار کرده است؛ در دوره وزارت دکتر کاظم اکرمی مدیرکل دفتر آموزش متوسطه و مدیر پروژه تهیه هزار برنامه درسی تلویزیون در دوران اوج دفاع مقدس و موشک‌باران شهرها بود و در دوره دکتر محمدعلی نجفی نیز به‌عنوان مدیرکل آموزش متوسطه و نماینده وزیر در شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، دبیر شورا و مسئول ستاد اجرایی آن بوده و در دوره وزارت آقای حسین مظفر به‌عنوان دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، در دوره آقای مرتضی حاجی به‌عنوان دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش و مشاور هماهنگی و اجرایی وزیر کار کرده است.

وی همچنین سال‌های آخر خدمت خود را در سازمان آموزش، علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی (آیسیسکو) گذراند که مدتی پس از آن به‌عنوان مدیر دفتر منطقه‌ای آیسیسکو در تهران و ۶ سال نیز به‌عنوان معاون سازمان در مراکش بود.

عزیززاده، در همان صفحه نخست نیم‌رخ، کتاب را به معلمان و مدیران مدارس تقدیم کرده است.

تجربه‌های کودکی و تحصیل در مدرسه (۱۳۵۶-۱۳۳۷)، تحصیل در دانشگاه و تجربه معلمی (۱۳۵۶-۱۳۶۵)، تجربه مدیرکلی آموزش متوسطه و ماجرای تغییر نظام (۱۳۶۵-۱۳۷۰)، تجربه مدیریت مدرسه (۱۳۷۰-۱۳۷۶)، تجربه دبیرکلی شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۷۶-۱۳۸۲)، تجربه مدیریت دفتر منطقه‌ای آیسیسکو (۱۳۸۱-۱۳۸۳)، تجربه معاونت مدیرکل آیسیسکو در مراکش (۱۳۸۳-۱۳۸۹)، تجربه‌های دوران بازنشستگی (۱۳۹۰ و بعد از آن) و تحلیل‌ها و توصیه‌ها، عناوین فصول نه‌گانه بخش اول کتاب شامل گفت‌وگو مصاحبه است که طی آن، عزیززاده به تفصیل ولی با شیرینی و زیبایی، مطالب، نکته‌ها و موضوعات مهم و جالبی را از مسائل آموزش و پرورش، دوران خدمت خود و حوادث و رخدادهای عرصه مدیریت استراتژیک آموزش و پرورش بیان کرده است.

نکته جالب و قابل تأمل کتاب، بخش پیوست آن است که پس از گفت‌وگو آمده و شامل منتخب مقاله، مصاحبه‌ها و یادداشت‌های مهندس هادی عزیززاده طی سی سال گذشته در مطبوعات و رسانه‌های جمعی است. عزیززاده خود درباره این بخش کتاب تأکید دارد که محتوای بسیاری از مطالب مقاله‌ها، مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها هنوز هم پس از سال‌ها، کاربرد و امکان عملیاتی شدن دارد. چگونه می‌توان از خروج دائمی معلمان زنده از آموزش و پرورش جلوگیری کرد؟ مسائل جهانی آموزش و پرورش، تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش ایران، مشکلات پیش روی مجریان نظام جدید آموزش متوسطه، مدیریت نظام آموزش و پرورش در ایران و کشورهای پیشرو جهان، امتحانات و ارزشیابی پیشرفت

تحصیلی در نظام‌های آموزشی جهان، برنامه‌ریزی درسی در نظام‌های آموزشی جهان، سخنی با اعضای شورای عالی آموزش و پرورش، نظام آموزش متوسطه را تدبیر باید؛ نه تغییر و مدرسه‌محوری: تعریف، اهداف و الزامات، عناوین مقالات، مصاحبه‌ها و یادداشت‌های بخش پیوست و پایانی کتاب است.

در بخش پنجم کتاب، با عنوان تحلیل‌ها و توصیه‌ها، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسائل آموزشی مورد تجزیه و تحلیل عزیززاده قرار گرفته است. تغییرات ساختاری در نظام آموزشی، حذف کنکور، طبقاتی شدن آموزش و پرورش، شورای عالی آموزش و پرورش، تثبیت مدیران و شایسته‌سالاری، بودجه دولتی و ورشکستگی، تأمین و تربیت نیروی انسانی، ساختمان مدارس، تأیید کتاب درسی و نه تألیف، سند تحول، کرونا و آموزش و پرورش و توصیه‌ها به مدیران مدارس و معلمان، محورهای مباحث مطرح این عنصر باتجربه و مدیر پیشکسوت آموزش و پرورش در بخش تحلیل‌ها و توصیه‌هاست.

زنده‌یاد دکتر «علی علاقه‌مند» از استادان مدیریت آموزشی، در یادداشت پشت‌جلد این کتاب، تصریح کرده است: پرسش‌ها و پاسخ‌ها در کتاب نیم‌رخ تنظیم و بیان شده‌اند که برای خواننده دست‌اندرکار در آموزش و پرورش، اعم از مدیران و معلمان در تمام سطوح - جنبه آموزشی و راهنمایی دارند، مخصوصاً ایده‌های مطرح‌شده در آن‌ها، می‌توانند تفکر برانگیز باشند.

تحلیل‌ها و توصیه‌های فصل آخر، بسیار قابل توجه و تأمل است و در واقع «آنچه شرط بلاغ است» را نویسنده گفته است. امیدوار است که گوش شنوایی برای شنیدن آن‌ها موجود باشد و ذهنیتی برای پذیرش ایده‌های مطرح‌شده و تفکر و تأمل درباره آن‌ها.

مهندس هادی عزیززاده که امروز ۶۳ ساله شده است، دانش‌آموخته رشته مهندسی ارشد راه و ساختمان دانشگاه تهران، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی (لیسه پاریس) و علوم اجتماعی با گرایش مدیریت تغییر (دانشگاه وسترن سیدنی) و دریافت‌کننده دکترا از لیسه یونسکو است.

او در مقدمه خود بر کتاب «نیم‌رخ؛ من و آموزش و پرورش» می‌گوید: آموزش و پرورش امروز ما با مشکلات فراوانی روبه‌رو است. از یک‌سو، طی سالیان متمادی، منابع لازم برای گسترش کیفی آن فراهم نبوده و از سوی دیگر، به دلیل درگیری کشور با مسائل بزرگی چون جنگ تحمیلی و تحریم‌ها، برخی از تصمیم‌گیری‌ها در رابطه با آموزش و پرورش بر مبنای مصلحت‌ها بوده است نه بر پایه یافته‌های علمی و پژوهشی. این وضعیت برای همه کشورها در شرایط جنگ و بحران‌های سیاسی اتفاق می‌افتد؛ ولی طولانی بودن این دوره در ایران، ممکن است کشور را به جایی برساند که حتی با رفع تحریم‌ها و موانع و عادی شدن شرایط، ایجاد تحول اصولی در آموزش و پرورش به‌سختی ممکن شود و ده‌ها سال به طول انجامد. در چنین شرایطی، تصمیم‌گیرندگان باید به‌گونه‌ای عمل کنند که قطار آموزش و پرورش بیش از این از ریل منطقی خارج نشود و با نگرش علمی و یافته‌های

تربیتی، آن را به مسیر درست هدایت کنند که البته کاری است دشوار و درایت دوچندان نیاز دارد. در این مسیر نباید صرفاً بر مبنای تجربه‌های گذشته تصمیم گرفت که در دنیای دائماً در حال تغییر امروز، تجربه به‌تنهایی کارگشا نیست، بلکه باید با علوم جدید همراه بود و متناسب با شرایط جامعه، روش‌های اجرایی خلاقانه ابداع کرد و به مرحله اجرا گذاشت و گرنه به حکایت همان کبکی خواهیم بود که سر در برف کرده، دنیای خارج را نمی‌بیند و زندگی خود را بهترین در جهان می‌پندارد.

تجربه
چگونگی تهیه،
تولید و پخش
هزار برنامه
تلویزیونی
در اوج دفاع مقدس
جالب است

تولید هزار برنامه تلویزیونی

سخنان مهندس عزیززاده در این کتاب، درباره تجربه چگونگی تهیه، تولید و پخش هزار برنامه تلویزیونی در اوج دفاع مقدس جالب است. او می‌گوید: «سال تحصیلی ۶۶-۶۷ بود. بسیاری از مدارس کشور در استان‌های مختلف به دلیل موشک‌باران رژیم عراق به تعطیلی کشانده شدند. یادم می‌آید یک‌روز آقای اکرمی، وزیر آموزش و پرورش از جلسه هیئت دولت خبر داده بودند که هیئت دولت تصویب



طرحی که برای
تغییر نظام دوره
متوسطه وجود
داشت، طرحی بود
که در کتاب «کلیات
نظام آموزش و پرورش
جمهوری اسلامی
ایران» آمده است

کرده است برنامه‌های درسی تلویزیونی، تهیه و از تلویزیون پخش شود. از من خواسته شد مسئولیت تهیه این برنامه‌ها را بر عهده بگیرم. من دو شرط داشتم: اول اینکه معاونان محترم وزیر دخالتی در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های این پروژه نداشته باشند و فقط در صورت درخواست، در اجرا ما را یاری کنند و دوم: هر آنچه از وسایل و امکانات نیاز باشد بتوانیم فوراً خریداری کنیم و تشریفات معمول برای هزینه کردن‌ها کنار گذاشته شود که با هر دو موافقت شد و در عمل هم نقض نگردید. هنوز دو ساعت از مصوبه هیئت دولت نگذشته بود که جدول برنامه حاضر شد: هزار و پنجاه و دو برنامه درسی تلویزیونی هر یک به مدت یک‌ربع تا ۲۰ دقیقه. صبح‌ها شبکه یک را، به دوره ابتدایی و بعدازظهرها را به دوره راهنمایی اختصاص دادم و صبح‌ها و عصرها شبکه دوم را به دبیرستان. در شرایط عادی برای تهیه این تعداد برنامه چهار سال زمان لازم بود، ولی با بسیج نیروها در مدت ۶ ماه به این مهم دست یافتیم».

کتاب تغییر نظام آموزشی

این پیشکسوت آموزش و پرورش در کتاب «نیم‌رخ» درباره بحث تغییر نظام آموزشی در دوره وزارت دکتر نجفی، می‌گوید: در دوره وزارت آقای نجفی، شورای تغییر نظام آموزشی زیر نظر ایشان تشکیل شد و بنده هم یکی از اعضا شدم. نماینده وزیر آموزش و پرورش، دبیر شورا و مسئول ستاد اجرایی بودم. در آن ایام، در همایش‌های مختلف استانی شرکت و در رابطه با مسائل آموزش و پرورش ایران و جهان و رویکردهای جدید صحبت می‌کردم. جلسه‌های شورای تغییر نظام هم به صورت هفتگی برگزار می‌شد. شورا برای سرعت دادن به کار، کمیسیون‌های تخصصی تشکیل داد؛ از جمله کمیسیون متوسطه فراگیر و حرفه‌ای که مسئولیتش را مرحوم مهندس علاقه‌مندان برعهده داشت و کمیسیون برنامه‌ریزی توسعه که مسئولیتش با من بود. خیلی زود شورا به این نتیجه رسید که دوره متوسطه با معضلاتی روبه روست که هرگونه تأخیر برای تصمیم‌گیری در مورد آموزش متوسطه، اتخاذ تصمیم‌های مناسب را در آینده با محدودیت مواجه می‌کند و آموزش و پرورش را با مشکلات جدی روبه رو خواهد ساخت. در آن ایام، دوره متوسطه با گسترش زیادی همراه بود و بررسی‌ها نشان می‌داد هرگونه اصلاحی که در دوره آموزش عمومی انجام گیرد - که ضروری بود- منجر به افزایش بیش از پیش تعداد تقاضای تحصیل برای دوره متوسطه در سال‌های بعد خواهد شد و این افزایش تقاضا، موجب می‌شود سهم بیشتری از امکانات و اعتبارات نیروی انسانی آموزش و پرورش، به دوره متوسطه اختصاص یابد و در عمل به زیان آموزش عمومی تمام می‌شود؛ مگر آن‌که پیشاپیش برای کم‌هزینه‌تر کردن دوره متوسطه برای آموزش و پرورش، از طریق تغییرات ساختاری و تنوع‌بخشی به روش‌های ارائه و استفاده از مشارکت سایر دستگاه‌ها، فکری شود. طرحی که برای تغییر نظام دوره متوسطه وجود داشت، طرحی بود که در کتاب «کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»

آمده بود و به یکباره قابل اجرا نبود. چون پیشنهاد کتاب طرح کلیات، ایجاد مدارس فراگیر (با ادغام هنرستان‌ها و دبیرستان‌ها) و واحدی کردن دوره متوسطه (مشابه دانشگاه‌ها) با حداقل ۲۰ درصد دروس اختیاری و ... بود که حتی در کشورهای پیشرفته هم اجرای آن به سختی ممکن است؛ یک طرح آلمانی بود که جهت را نشان می‌داد که به چه سمتی باید حرکت کرد. حتی خود مهندس عزیززاده، در این بخش از کتاب «نیم‌رخ» تأکید می‌کند که حتی خود تهیه‌کنندگان طرح کلیات هم در کتاب مطرح کرده بودند که باید شیوه انتقال از نظام موجود به نظام مطلوب طراحی شود؛ بر این اساس، گروهی مأموریت یافتند «طرح انتقال به آموزش متوسطه مطلوب» را بنویسند. این طرح در روستاهای «انزها» از شهرستان «فیروزکوه» نوشته شد.

فقط دبیر کلی!

عزیززاده همچنین در آغاز فصل پنجم کتاب «نیم‌رخ»، در میان تجربه دبیر کلی خود در شورای عالی آموزش و پرورش و در پاسخ به این پرسش که چه شد با روی کار آمدن آقای مظفر در دوره اصلاحات، شما هم به حوزه ستادی برگشتید، می‌گوید: در سال ۱۳۷۶ که آقای سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری رسید، از چند نفر خواسته بودند که برای وزارت آموزش و پرورش برنامه دهند تا از بین آن‌ها یک نفر انتخاب و به‌عنوان وزیر به مجلس معرفی شود. از جمله این افراد، آقای حسین مظفر بود. ایشان برای تهیه برنامه، گروهی تشکیل داده بود و من هم یکی از اعضای این گروه بودم. گروه زیر نظر ایشان، برنامه تهیه کرد. آقای مظفر که مسئولیت وزارت آموزش و پرورش به ایشان محول شد، از من خواستند که به ستاد برگردم و با ایشان همکاری کنم؛ گفتم اگر بنا بر همکاری باشد ترجیح می‌دهم در پست دبیر کلی شورای عالی آموزش و پرورش همکاری کنم. ایشان ابتدا تعجب کردند؛ چون دبیرخانه شورا جایی بود که کمتر وزیری به آن توجه می‌کرد و اگر بنا بر تغییری در آنجا بود، در اولویت آخر بود نه نخست. وقتی قانون شورای آموزش و پرورش و نقش دبیر کل را در شورا تشریح کردم، در آن پی بردند و سخن مرا پذیرفتند. شورای عالی آموزش و پرورش براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، اختیارات وسیعی داشت و مصوبات آن برای همه دستگاه‌ها لازم‌الاجرا بود. دبیر کل آن به پیشنهاد وزیر و برآی اعتماد شورا تعیین می‌شد و هم‌ردیف معاون وزیر بود و ... خیلی از مشکلاتی که در آموزش و پرورش به وجود آمده بود، ناشی از بی‌توجهی به نقش این شورا بود. به این ترتیب، به پیشنهاد آقای مظفر و رأی اکثریت اعضای شورای عالی، به سمت دبیر کلی منصوب شدم.

ماجرای غم‌انگیز مهندس علاقه‌مندان

مهندس عزیززاده در بخش هفتم کتاب «نیم‌رخ؛ من و آموزش و پرورش» ضمن بیان مسیر انتخاب خود به‌عنوان نخستین ایرانی برای معاونت آیسيسكو (سازمان علمی، فرهنگی

و آموزشی کشورهای اسلامی)، در پاسخ به این سؤال که پس از رفتن شما به مراکش (مقر آیسيسكو)، مدیریت دفتر منطقه‌ای این سازمان در تهران به چه کسی واگذار شد، خاطرنشان می‌کند: «برای مدتی هم معاون مدیرکل در دفتر مرکزی بودم و هم مدیر دفتر تهران که ادامه این کار ممکن نبود. دلم می‌خواست مدیر دفتر تهران همچنان یک فرد ایرانی باشد و این امتیاز از دست نرود. با آقای حاجی مشورت کردم و در نهایت قرار شد با مهندس علاقه‌مندان مذاکره‌ای داشته باشم که اگر ایشان موافق باشند، برای نامزدی این پست دفتر مرکزی معرفی شوند که ایشان هم اظهار تمایل کردند، در دفتر مرکزی با مدیرکل (دکتر تویجری) صحبت کردم و رضایت ایشان را جلب کردم. قرارداد همکاری تهیه شد و به‌امضای مدیرکل رسید. با مهندس علاقه‌مندان قرار گذاشتیم که به تهران بیاییم و مراسم معارفه انجام گیرد. وقتی به تهران رسیدم با تلفن همراه ایشان تماس گرفتم که پاسخ نداد. با منزل ایشان تماس گرفتم. گفته شد مریض حال هستند. روز بعد تماس گرفتم. گفتند در بیمارستان بستری است و متأسفانه در بیمارستان جان به جانان دادند. خیلی غم‌انگیز بود...».

آموزش و پرورش پس از کرونا

هادی عزیززاده در فصل نهم کتاب «نیم‌رخ» که به «تحلیل‌ها و توصیه‌ها» اختصاص یافته است، نگاه و تفسیر جدید از شرایط آموزش و پرورش پس از کرونا ارائه می‌دهد. وی در این باره تأکید دارد: «من نگران فردا هستم که مدارس باز شوند و بخشنامه‌های آموزش و پرورش به مدارس سرازیر شود که چنین کنید، چنان کنید. بودجه‌بندی کتاب‌های درسی این‌طور خواهد بود یا آن‌طور خواهد بود. فردایی که مدرسه باز شود، معلمان با دانش‌آموزانی روبه‌رو خواهند شد که با قبل متفاوت هستند. از نظر رفتاری به‌گونه‌ای دیگر رفتار خواهند کرد. دو سال خانه‌نشینی آن‌ها را تغییر داده است. برخی احتمالاً به مشاورانی نیاز خواهند داشت. برخی اضافه‌وزن پیدا کرده‌اند و از تحرک کافی برخوردار نخواهند بود. از نظر درسی، برخی از آن‌ها احتمالاً هیچ نمی‌دانند و دروس سال گذشته را به‌درستی یاد نگرفته‌اند و حتی دروس سال‌های قبل را هم فراموش کرده‌اند و برخی از آن‌ها، به‌عکس از سطح بسیار بالاتر و غیرمنتظره برخوردار شده‌اند. در چنین شرایطی، معلمان چه خواهند کرد؟ باید روش‌های گذشته را کنار بگذارند؟ باید فرض را بر این بگذارند که هیچ دانش‌آموزی پیش‌نیاز لازم را برای آموزش یک میحت ندارد؟ باید پیش‌نیازها را آموزش دهند؟ باید از دانش‌آموزان قوی‌تر کمک بگیرند و با کار گروهی، نقطه‌ضعف‌های دانش‌آموزان دیگر را برطرف کنند؟ بخشنامه از مرکز برای بودجه‌بندی و امثال آن کارگشا نیست. آموزش و پرورش باید به توصیه‌های عمومی اکتفا کند و معلمان را از طریق تلویزیونی یا هر روش مناسب دیگر برای شرایط آموزش دهد».

عزیززاده در تکمیل این بخش یادآور می‌شود که آموزش و پرورش بعد از کرونا با قبل از آن بسیار متفاوت خواهد بود. ضمناً هیچ تضمینی وجود ندارد که ویروس‌های مشابه و بدتری را در آینده شاهد نباشیم.